

## درس هشتم

### دریا قلی

نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه‌ها، به ترتیب سطرها و بیت‌ها

غافلگیرکننده: غیرمنتظره بودن و ناگهانی بودن کاری	هدف: مقصود، منظور
بهمن شیر: نام رودخانه‌ای است.	به هنگام: به موقع
محاصره: اطراف کسی یا جایی را احاطه کردن	محدود: ناچیز و کم، مختصر، اندک
انگار: گویا، به نظر	جوامع: جمع جامعه، کشور، مملکت
جوانمردی: سخاوت، بخشنندگی	ارج: ارزش
رکاب بزن: سریع‌تر دوچرخه را به حرکت در بیاور.	دلاور مرد: مرد شجاع و دلیر
دیار: خانه، سرزمین	کماندار ایرانی: آرش کمانگیر
همت: قصد، اراده و عزم قوی	دلیرانه: شجاعانه
الکن: کسی که زبانش به هنگام صحبت، گیر می‌کند، لال	چله‌ی کمان: نخ کمان که تیر در آن قرار می‌گیرد.
تکلیف: موقعیت، وضعیت	پاسداری: محافظت کردن
خمپاره: نوعی گلوله که با توپ قابل حمل، پرتاب می‌شود.	نام‌آوران بی‌شمار: پهلوانان مشهور بسیار زیاد
مدافعان: جمع مدافع، دفاع‌کنندگان	مانع سقوط: جلوی دشمن را گرفتن تا شهرها را تصرف نکند.
مزار: قبر، گور، آرامگاه	اوراق فروشی: مکانی که پاره‌های اتومبیل فروخته می‌شود.
بی‌شک: یقیناً، حتماً	حاشیه: کناره
ناگوار: تلخ، ناخوشایند	بعثی: نیروهای ارتش عراق در زمان صدام
	مقابله: مبارزه کردن
	ناکام: کسی که به آرزوی خود نرسیده باشد.
	تلفات: نابود شده‌ها، از دست دادن افراد

## معنی بیت‌ها

بیت ۱: دریاقلی! رکاب بزن، یا علی بگو چشم انتظار همت تو، دین و میهن است  
معنی: دریاقلی! یا علی بگو و به سرعت حرکت کن، زیرا دین اسلام و سرزمین ایران منتظرِ قصد و اراده‌ی قوی تو هستند که کاری بکنی.

نکته‌ی دستوری: دریاقلی! منادا (حرف ندا حذف شده است) / بزن و بگو: فعل امر / چشم انتظار: واژه‌ی مرکب / همت تو: مضاف و مضاف‌الیه

نکته‌های آرایه‌ای: چشم انتظار بودن: کنایه از منتظر بودن / دین و میهن، چشم انتظار هستند: جان بخشی (آدم‌نمایی).

نکته‌ی ادبی: یا علی گفتن: کنایه از کمک خواستن و تصمیم گرفتن برای کار مهم

بیت ۲: فردا اگر درنگ کنی، کوچه‌های شهر میدان جنگ تن به تن و تانک با تن است  
معنی: اگر تأخیر بکنی و وقت را هدر بدهی، فردا تانک‌های دشمن در کوچه‌های شهر، مردم را از بین می‌برند و شهر، محلّ جنگ‌های تن به تن خواهد شد.

بیت ۳: از راه اگر بمانی و روشن شود هوا تکلیف شهر خاطره‌های تو، روشن است  
معنی: اگر نتوانی به راحت ادامه بدهی و هوا روشن شود، از وضعیت شهر پُر از خاطره‌ی خودت آگاه خواهی بود که چگونه از بین خواهد رفت.

نکته: روشن بودن تکلیف چیزی: موقعیت و وضعیت آن، مشخص و آشکار است.

بیت ۴: دریاقلی! به وسعت دریاست نام تو تاریخ در تلفّظ نام تو الکن است  
معنی: دریاقلی! نام تو مانند دریا وسیع و با عظمت است، تاریخ هم نمی‌تواند تو را با آن همه بزرگی، ستایش و وصف کند.

نکته‌های آرایه‌ای: تاریخ الکن است؛ تشخیص / نام تو مانند دریا وسیع است: تشبیه

## پیام درس

در این درس از دل‌آوری‌های پهلوانانی نام برده شد که همواره سرزمین خودشان را مهم می‌دانستند و جان خود را برای پاسداری از وطنشان، فدا می‌کردند.

پهلوانانی چون آرش کمانگیر و دریاقلی سورانی که خود را فدا کردند تا مردم سرزمینشان زنده و پایدار بمانند.

## تاریخ ادبیات

دریاقلی سورانی (۱۳۵۹ - ۱۳۲۴ ه. ش)

شهید دریاقلی، یکی از دلیرمردانی بود که در جریان حمله‌ی دشمن بعثی به ایران، متوجه‌ی نقشه‌ی پلید آنان برای حمله به ایران شد. وی با شجاعت و فداکاری خویش، خبر حمله و نقشه‌ی دشمن را به پایگاه نیروهای ارتش و سپاه رساند و با این عمل به موقع، سبب ناکامی نیروهای عراقی در تصرف آبادان گردید. عزم و دلیری وی مانع سقوط آبادان شد.

مای دارس  
گروه آموزشی عصر

[www.my-dars.ir](http://www.my-dars.ir)

## بخوان و بیندیش

### تُندگویان

نوع نثر: ساده و روان

معنی واژه‌ها، به ترتیب سطرها

مناطق: جمع منطقه، بخشی از یک سرزمین مانند شهرها و روستاها	جرم: گناه
نیروها: سربازان و سپاهیان	انتشار: منتشر کردن، چاپ کردن
اسارت: اسیر شدن، گرفتاری	اعلامیه: برگه‌ای شامل نوشته‌ای معمولاً سیاسی یا مذهبی برای پخش عمومی، آگهی
محیط: فضا، گرداگرد	تبعید: کسی را از وطن خود به جای دیگر فرستادن، دور کردن، راندن
محبت: عشق	تحقق: انجام، اجرا، به حقیقت پیوستن
خاندان: خانواده، تبار، دودمان	به پا خاسته: ایستاده، آماده برای قیام و مبارزه
زینت: زیبایی، آرایش، زیور	صحنه: میدان، پهنه
تحصیل: یادگیری، به دست آوردن	پالایشگاه: محلی برای صاف و پالایش کردن موادی مثل نفت خام
جدی: کوشا، وظیفه‌شناس، سختگیر	انتقال: جابجایی، نقل مکان کردن
ساعی: سعی کننده، کوشا	تلاوت: خواندن، قرائت کردن
تأمین می‌کرد: آماده می‌کرد، فراهم می‌کرد	غافل: بی‌خبر، فراموشکار
اقدامات: جمع اقدام، دست زدن به کارها	بی‌رحمانه: با سنگ دلی و بی‌رحمی
تأسیس: ایجاد، پی‌ریزی، تشکیل	دژخیمان: دشمنان
هیئت: گروهی که در ایام محرم عزاداری می‌کنند.	تحمیلی: کسی را به پذیرش چیزی وادار بکنند، وادار شده
جلسات: نشست‌ها	
حقایق: جمع حقیقت، حقیقت‌ها، راستی‌ها	

مُبداله: رد و بدل کردن، چیزی را دادن و چیزی را گرفتن	حقوق بشر: مجموعه‌ی حق‌ها و آزادی‌های اختصاص یافته به عنوان حق طبیعی انسان که باید از جانب همه‌ی قدرت‌های سیاسی، محترم شمرده شود.
استقبال: پیشواز	سرشار: پُر، انباشته
ایثار: از خودگذشتگی، کسی را بر خود برتری دادن	غریبانه: غریب‌وار، دور از وطن و تنها بودن
استقامت: پایداری و مقاومت	خاموش: ساکت
آزادگان: در این درس به معنی اسیران جنگی ایرانی آزاد شده پس از جنگ ایران و عراق. واژه‌ی «آزاده» در اصل، به معنی آزاد، وارسته، نجیب	یوسف گم گشته: در اینجا، منظور مهندس تُندگویان، است.
مدعیان: ادعا کنندگان	جهانی (جهان): در این شعر به معنی بسیار زیاد، مفهوم بزرگی می‌دهد.
	بند: طناب، زنجیر، ریسمان. در این شعر به معنی زندان است.

### پیام داستان

در این درس به عظمت و دلاوری‌های ایرانیانی اشاره شده است که با دلیری، جان خود را در راه سربلندی سرزمینشان فدا کرده‌اند و به همه‌ی ما آموختند که با تمام وجود در راه بزرگی ایران، تلاش و کوشش کنیم تا همچون گذشته، سرافراز و سربلند بدرخشیم. مهندس تُندگویان هم از جمله انسان‌های بزرگی بود که در برابر دشمنان عراقی تا آخرین نفس، مبارزه کرد و در راه وطنش به شهادت رسید. روحش شادا!

### هم خانواده :

انتظار : منتظر	قدرت : قادر	حد : حدود	معروف : معرف
جمع : جوامع	وسعت : وسیع	نقل : منتقل	مانع : موانع
نفوذ : نافذ	دفاع : مدافع	هدف : اهداف	

### مخالف :

مهاجم : مدافع	مستقل : وابسته	خوشایند : ناگوار	صعود : سقوط
---------------	----------------	------------------	-------------